

## روزنامه مقدس جبل المتین

بیست و هشتم آذر ماه ۱۳۷۲ (نوزده دسامبر ۱۹۹۳) درست یک صد سال از آغاز نشر روزنامه پرآوازه جبل المتین خواهد گذشت. روزنامه‌ای که — با وقفه‌هایی — سی و هفت سال (۳۸- سال و چند ماه قمری)، هزاران فرسنگ دور از وطن انتشار یافت و انتشارش، اغلب، با رنج و گرفتاری همراه بود.

در این مدت طولانی، صفحه‌های «نامه مقدس» جلوه‌گاه رویدادهای تلخ و شیرینی بود که بر ایران و انیران می‌گذشت. چه بسا سخنها و اندیشه‌ها و بازتاب رویدادها را که تنها در این نامه می‌توان یافت. از این رو، ارزش بسیاری از شماره‌های آن در حد اعتبار یک سند تاریخی است.

اما انگیزه من در یاد کردن از روزنامه مقدس جبل المتین همین گذشت یک سده از چاپ و پراکندن آن روزنامه و سبب فرستادن این نوشتار برای چاپ در مجله ایران‌شناسی نسبی است که مدیر آن با مدیر روزنامه چاپ کلکته دارد و نام و نام خانوادگی ایشان نیز بر آن نسبت گواهی می‌دهد.

سید جلال‌الدین مؤیدالاسلام

مدیر و پایه‌گذار این روزنامه، سید جلال‌الدین کاشانی متخلص به ادیب و ملقب به مؤیدالاسلام بود. وی، در سیزدهم رجب ۱۲۸۰ (چهارم دی ماه ۱۲۴۲ خ = ۲۵ دسامبر ۱۸۶۳م) در خانواده‌ای از دین‌دانایان کاشان — که به بازرگانی نیز می‌پرداختند — زاده

شد و در همان شهر دانش آموخت. در نوجوانی آموخته‌های خود را در اصفهان و سپس سامره — حوزه درس میرزای شیرازی — تکمیل کرد. به سال ۱۳۰۵ ق به بندر عباس رفت تا به تجارت پردازد و همان جا بود که سید جمال‌الدین افغانی را دید و زیر تأثیر اندیشه او قرار گرفت!

مؤیدالاسلام از بندر عباس به سلطان‌نشین عمان سفر کرد و در آن سرزمین می بود تا آن که بیمار شد و برای معالجه به بمبئی رفت (۱۳۰۸). این آغاز اقامت همیشگی او در هند بود.

در هند، مؤیدالاسلام به کار تجارت پرداخت و کلکته را برای اقامت برگزید. در آن شهر، دختری از مسلمانان بنگال را به زنی گرفت و در دهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ ق روزنامه جبل المتین را تأسیس کرد.

سید جلال‌الدین در اوائل ۱۳۱۵ ق مشمول مستمری سالانه‌ای به مبلغ دو بیست تومان از سوی مظفرالدین شاه شد<sup>۲</sup> و سال بعد از سوی همان پادشاه لقب مؤیدالاسلام را دریافت داشت<sup>۳</sup> و شهرتش بیشتر با این لقب است. شاید به همراه این لقب، مستمری‌اش را نیز افزودند! شگفت آن که در سرلوحه سالهای نخست جبل المتین، سید جلال‌الدین خود را «طهرانی» معرفی کرده است و من دلیل این کار را نمی‌دانم. همان سرلوحه‌ها، نشان می‌دهد که وی شاعر هم بوده و «ادیب» تخلص می‌کرده است اما از شعرهای او جز چند بیتی که در مجله ارمغان چاپ شده، چیزی ندیده‌ام و آن نیز چنگی به دل نمی‌زند.<sup>۵</sup>

محتوای جبل المتین، مؤیدالاسلام را بارها با حکومت انگلیسی هند و گاه با دولت ایران و حتی با آخوندها و روزنامه‌نگاران داخل کشور درگیر ساخت و برخی از تاریخنگاران نیز او را نکوهیدند. به اینها اشاره خواهم کرد.

مؤیدالاسلام، در ده‌ساله پایان عمر نایبنا شد و کار را به دست دخترش فخرالسلطان سپرد که ف. س. مؤیدزاده امضا می‌کرد و در روزنامه «دبیر ثانی» معرفی شده بود.

روزنامه‌نگار پیر و نایبنا، سرانجام در ۲۴ آذر ۱۳۰۹ در کلکته درگذشت. آرزوی او برآوردند و کالبدش را در خاک وطن، جوار بارگاه امام رضا، به خاک سپردند. وصیت دوم مؤیدالاسلام آن بود که سید جلال‌الدین پسرش — که در آن هنگام سیزده سال داشت — انتشار روزنامه پدر را پی‌گیرد ولی به‌دلیلی که بر من نامعلوم است چنین نشد. مؤیدالاسلام — شاید تا بلوغ و کارآیی سید جلال‌الدین — یکی از بستگانش به نام «آقا متینی» را که نماینده روزنامه در تهران بود به‌جانشینی خود معرفی کرد<sup>۶</sup> و این «آقا متینی»، روانشاد سید علی متینی پدر آقای دکتر جلال متینی است.

## همکاران جبل‌المتین

از سال ششم، «منتظم اداره» یعنی مدیر داخلی جبل‌المتین شخصی به نام محمدجواد شیرازی بود. از دیگر ایرانیانی که در انتشار روزنامه به مؤیدالاسلام یاری داده‌اند، باید سید حسن برادرش را نام برد که بعدها جبل‌المتین تهران و رشت را منتشر ساخت. در سالهای آخر، رحیم‌زاده صفوی نیز با روزنامه همکاری عملی و نزدیک داشت ولی این که مدعی شده «بنا بر دعوت و تقاضای سید جلال‌الدین مؤید مدیر جبل‌المتین مدتی سردبیری آن روزنامه را متعهد شدم»،<sup>۷</sup> در خود روزنامه دیده نمی‌شود و یا من نیافته‌ام.

کتر صاحب نامی از اهل قلم یا سیاست است که از او چیزی در جبل‌المتین به چاپ نرسیده باشد: میرزا محمود خان اشرف‌زاده، ملک‌الشعراء بهار، غمام همدانی، حسن تقی‌زاده، مجدالاسلام کرمانی، ثقة‌الاسلام تبریزی، مستشارالدوله صادق... و «در تمام نمرات جبل‌المتین مقالاتی از آزادمردان نامی ایران که بعداً قیام برای به دست آوردن حکومت ملی نمودند با امضای محفوظ مندرج می‌شد».<sup>۸</sup> یکی از آنها، سید جمال واعظ اصفهانی است که با نام مستعار ۷۴ («جمال» به حساب ابجد) امضا می‌کرد.<sup>۹</sup>

## سازمان جبل‌المتین

نشریه‌های وابسته: انتشار موفق جبل‌المتین، نیازهای فارسی‌زبانان و دیگر ملت‌های مسلمان — به ویژه مسلمانان هند — موجب شد که مؤیدالاسلام به انتشار جبل‌المتین بسنده نکند، کتاب<sup>۱۰</sup> و روزنامه و مجله به زبانهای مختلف پدید آورد و سرانجام نخستین گروه مطبوعاتی ایرانی را پایه نهاد. از آن جا که جبل‌المتین دارای چاپخانه مجهزی از خود بود، این طرح به آسانی عملی شد.

سوی جبل‌المتین، اولین روزنامه فارسی که از سوی مؤیدالاسلام انتشار یافت، روزنامه‌ای علمی به نام مفتاح‌الظفر است. روزنامه با مدیریت سید حسن کاشانی برادر او، در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ ق در کلکته به چاپ می‌رسید و در آن، مؤیدالاسلام «سرپرست» روزنامه معرفی می‌شد.

در ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ مفتاح‌الظفر جای خود را به آزاد داد. در این روزنامه متنوع خبری-سیاسی-علمی نیز میرزا حسن، مدیر، و مؤیدالاسلام سرپرست بود. آزاد، عمر کوتاهی داشت. علت تعطیلش را باید در تشابه محتوای آن با روزنامه مادر — و در نتیجه

بی توجهی روزنامه خوانان به آن — جست و جو کرد.

پس از صدور فرمان مشروطیت، روزنامه‌های داخل کشور از آزادی قلم برخوردار شدند و شمار کثیری روزنامه در تهران و شهرستانها آغاز به انتشار کرد و این، به قول کسروی، «نیاز مردم را به خواندن آن (جبل المتین کلکته) کمتر گردانیده بود. به ویژه که آن برای رسیدن به تهران یک ماه بیشتر زمان می‌خواست و نوشته‌ها از بها می‌افتاد»، از این رو، میرزا سید حسن که در آن هنگام در تهران بود به همراهی شیخ یحیی کاشانی روزنامه روزانه جبل المتین را در پایتخت ایران بنیاد گذاشت. اولین شماره آن در ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۵ (۲۹ آوریل ۱۹۰۷) به گونه شاخه‌ای از جبل المتین کلکته به چاپ رسید. در سرلوحه این روزنامه، مدیر کل «جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام صاحب امتیاز روزنامه هفتگی و یومیه جبل المتین» ذکر شده بود.

جبل المتین تهران از جهت قطع و سرلوحه همانندی کامل با روزنامه مادر داشت و در شماره دوم آن، این «اخطار» به چاپ رسید:

این روزنامه یومیه که در طهران دائر گشته، شعبه (ای) از روزنامه هفتگی جبل المتین منطبعة کلکته است و فعلاً دو قسم جبل المتین یکی هفته‌وار در کلکته و دیگری یومیه در طهران دائر است. مشترکین محترم تصور نفرمایند اداره کل از کلکته به طهران نقل مکان کرده است.<sup>۱۲</sup>

گرچه به سبب دوری راه و محدود بودن ارتباطهای دور، بعید به نظر می‌رسد، جبل المتین روزانه تهران چنین وانمود می‌کرد که مؤیدالاسلام از کلکته بر کار روزنامه چاپ تهران نظارت دارد و این یک دو بار که بر آن تاختند و سید حسن را به محاکمه کشیدند به سود او شد. در یکی از شماره‌های جبل المتین تهران آمده است که:

حسب الامر مدیر کل جناب مؤیدالاسلام به ملاحظه خدمت به معارف و صرفه مشترکین محترم از قیمت آبونۀ آن مبلغی کلی تخفیف دادیم.<sup>۱۳</sup>

جبل المتین روزانه روزنامه‌ای آزادیخواه و بی‌پروا بود و در کمتر از دو سال و نیم انتشارش، بارها محل انتقاد تند و توقیف انتشار قرار گرفت. پنجاه و هشت شماره از آن در اوج خیزش مشروطه‌خواهی در رشت بیرون آمد و سرانجام با انتشار شماره چهاردهم رجب ۱۳۲۷ (۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹) برای همیشه خاموش شد. سبب، آن که مقاله‌ای به امضای سید نورالدین خارقانی زیر عنوان «اذا فسد العالم فسد العالم» چاپ کرد و در آن «علمانمایان» و «کهنه معتقدان اوهام» را نکوهید و این به توقیف روزنامه و محاکمه سید حسن انجامید.

در حالی که هنوز جیل‌المتین روزانه منتشر می‌شد، در رمضان ۱۳۲۶ میرزا رضا خان مدبر‌المالک هرندی روزنامه‌تمدن خود را که پیشتر در تهران به چاپ می‌رسید، در کلکته با حمایت مؤسسه‌جیل‌المتین انتشار داد ولی به‌ظاهر عمر آن منحصر به یک شماره بود. پس از آن، روزنامه فارسی دیگری از سوی مؤسسه‌جیل‌المتین به چاپ نرسید.

مؤیدالاسلام برای پراکندن اندیشه‌های ترقیخواهانه خود پنج نشریه غیرفارسی هم انتشار داده که به‌تقریب تاریخ پیدایش عبارتند از: «روزنامه کلکته» به‌زبان اردو (۱۳۱۷ق. = ۱۲۷۸خ)، مجله «ملک و ملت» به‌زبان انگلیسی (همان سال)، چاپ اردوی جیل‌المتین (۱۹۱۳م. = ۱۲۹۲خ)، چاپ بنگالی جیل‌المتین (همان سال) و چاپ انگلیسی جیل‌المتین (۱۹۱۵م. = ۱۲۹۳خ).

این روزنامه‌ها و مجله‌ها تا زمانی انتشار می‌یافتند که حکومت هند از انتشار آنها جلوگیری نمی‌کرد. در دسر آفرینیهای روزنامه‌ها و مجله‌های غیرفارسی، اکثر، دامن جیل‌المتین فارسی را نیز می‌گرفت و موجب توقیف آن می‌شد.

شرکت جیل‌المتین لیمیتد: سه روزنامه آخری یاد شده در بالا، پس از تشکیل «شرکت جیل‌المتین لیمیتد» انتشار یافت. خبر بنیاد آن شرکت در شماره نهم شعبان ۱۳۳۱ قمری به‌آگاهی عموم رسید. در اساسنامه آمده است که شرکت برابر قانون مصوب ۱۸۸۲ هند بریتانیا به‌ثبت رسیده، مشارکت فردی یا گروهی را در بر خواهد داشت و سود به‌دست آمده میان سهامداران تقسیم خواهد شد. سرمایه اولیه شرکت را نیز دویست هزار روپیه (در هشت هزار سهام ۲۵ روپیه‌ای) اعلام کردند.

امانی شرکت عبارت بودند از سید صاحب حسین تاجر شوشتری، افتخارالله عبدالأمون سهروردی، مولوی سید حسن عسکری، حکیم آقا مشکوت، حاج میرزا علی گلستانه، زاهد سهروردی وکیل عدلیه و مؤیدالاسلام جلال‌الدین الحسینی مدیر جیل‌المتین سه تن از اینان ایرانی و آن سه تن دیگر مسلمان هندی بودند.

شمار اعضای هیأت امانا نباید کمتر از پنج می‌بود و آنان با اکثریت آرا تصمیم می‌گرفتند. صورت جلسه‌ها باید به‌دو زبان فارسی و انگلیسی تنظیم می‌شد.

در سرمقاله روزنامه که پس از این اساسنامه به‌چاپ رسیده، همه مسلمانان، به‌خصوص ایرانیان، به‌شرکت در آن کار که به‌منظور «تمدن و تعلّم مسلمانان» بود دعوت شده‌اند. پس از آن هم در برخی از شماره‌های جیل‌المتین فراخوان صاحبان سهام به‌چاپ می‌رسید.

این شرکت یا گروه مطبوعاتی در سال ۱۹۱۷ در پی فشار مقامهای انگلیسی تعطیل شد: در ۲۳ مه آن سال نایب السلطنه هند طی نامه‌ای از مؤیدالاسلام خواست یا در بیان نظرهای سیاسی بیطرف باشد و یا شرکت را تعطیل کند. مؤیدالاسلام نیز پس از اندکی کشاکش سرانجام شرکت را منحل ساخت و از دولت هند تقاضای غرامت کرد.<sup>۱۵</sup>

### ویژگیهای جبل المتین

پیش از آن که از ویژگیهای فنی و اداری جبل المتین سخن رود، لازم است یادآور شوم که نام آن از سال هفتم به صورت روزنامه مقدس جبل المتین و بعدها نامه مقدس جبل المتین تغییر یافت و به این ترتیب نامه یا روزنامه «مقدس» جزء اسم آن بود و مقامهای انگلیسی بنگال نیز از آن با همین نام مفصل یاد می‌کردند.<sup>۱۶</sup>

ارائه: جبل المتین تا نیمه سال هفتم انتشار، مانند دیگر روزنامه‌های مسلمانان هند و اکثری از روزنامه‌های چاپ ایران با چاپ سنگی انتشار می‌یافت. روزنامه در ۱۲ صفحه دو ستونی به قطع ۱۷×۲۵ سانتیمتر با خطی ناپخته در چاپخانه متعلق به خود روزنامه، دوشنبه‌ها به چاپ می‌رسید و سه‌شنبه‌ها توزیع می‌شد.

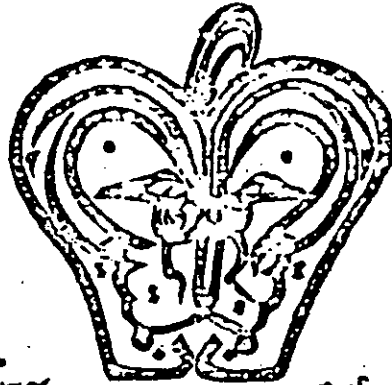
سرلوحه جبل المتین این دوره عبارت از نام آن بود که دایره‌وار و بسیار ناخوانا نوشته شده و در دو سوی آن ویژگیهای روزنامه به چاپ رسیده است. در زیر سرلوحه، عبارت «مراسلات و کارهای متعلقه اداره با دبیر و مدیر جلال‌الدین الحسینی الطهرانی المتخلص به ادیب» و پایین آن جمله «در این جریده از هرگونه علوم و وقایع و اخبار و پوتیک و سیاست و منافع دولتی و اصلاح قومی و ترقی نوعی بحث کرده می‌شود» می‌آمد. از سال پنجم شعار روزنامه بدین گونه تغییر یافت: «در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع ملتی و دولتی بحث می‌شود...». از این سال به بعد نام روزنامه و متن آن با خط نستعلیق ریزتر و در عین حال زیباتر و خواناتر از پیش چاپ شده و در نخستین شماره سال پنجم آمده است که بدین ترتیب «نصف کامل بر مضامین افزوده» شده است.

با چاپ سربی، جبل المتین در ۱۶ تا ۲۴ صفحه دو ستونی به قطع ۳۷/۵۰ × ۲۱ و سرانجام ۱۷×۲۲/۵۰ سانتیمتر انتشار می‌یافت. در هیأت اخیر، نام آن به خط نستعلیق بود و چنان که گفتیم عبارت «روزنامه مقدس» را بر فراز سرلوحه افزودند.

تیراژ: بدیهی است که در زندگی طولانی این روزنامه، نفوذ و اهمیت آن یکسان نبوده و از این جهت نمی‌توان میزان دقیقی از تیراژ آن به دست داد.

ضمیمه اخبار حبل المتین

- ۱) آیه و تفسیری در طریقه تعلیم و تربیت
- ۲) در شیوه های مختلف و اصول کلی تدریس
- ۳) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات
- ۴) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات
- ۵) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات
- ۶) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات



۷) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات  
 ۸) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات  
 ۹) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات  
 ۱۰) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات  
 ۱۱) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات  
 ۱۲) آیه و تفسیری در روش تدریس و تالیفات

کتابنامه شماره ۶۱۹۹۷ جلد دوم سال ۱۳۱۳

### مراسلات و کارهای متعلقه اوراق باریه و مدیر جلال المدین آیینی الطهرانی

چهارشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۳

اخبارت و اعلانات فی سطرهای اول آن				شرح مطالبه			
پنجشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
جمعه	جمعه	جمعه	جمعه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
شنبه	شنبه	شنبه	شنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
یکشنبه	یکشنبه	یکشنبه	یکشنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
دو شنبه	دو شنبه	دو شنبه	دو شنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
سه شنبه	سه شنبه	سه شنبه	سه شنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
چهارشنبه	چهارشنبه	چهارشنبه	چهارشنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن
پنجشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	پنجشنبه	قرآن	قرآن	قرآن	قرآن

### اعلان

مجلس تعلیم و ترقی اهل انبیا کرامت تعلیم و ترقی اهل انبیا کرامت  
 دانش و اندیشه‌های انبیا کرامت را به وسیله نشر و تبلیغ و ترویج  
 در هر یک از بلاد گوناگون باید ترویج دهند و این امر را در هر یک از  
 این بلاد بطریق کفایت و نهایت حفاظت و ترقی نماید تا آنکه این مجلس  
 می خواهد حق استنباطی در هر یک از این بلاد داشته باشد و این امر را  
 در هر یک از این بلاد باید ترویج نماید.

طبع کتاب در مطبع حبل المتین  
 در هر یک از این بلاد باید ترویج نماید و این امر را در هر یک از این بلاد  
 باید ترویج نماید و این امر را در هر یک از این بلاد باید ترویج نماید.





نخستین جایی که از تیراژ جبل‌المتین سخن رفته، در گزارشهای محرمانه مقامهای انگلیسی بنگال به تاریخ مارس ۱۸۹۷ (۱۳۱۴ق) — یعنی در سال چهارم انتشار روزنامه — است.<sup>۱۷</sup> در آن هنگام شمار نسخه‌های روزنامه پانصد بود. بالاترین و کمترین تیراژ را در میان روزنامه‌های غیرانگلیسی دو روزنامه بنگالی زبان داشتند که اولی بیست هزار و آخری صد و بیست نسخه منتشر می‌کرد و تیراژ اکثر روزنامه‌ها در حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ نسخه بود. بدین ترتیب، تیراژ جبل‌المتین در سال چهارم — که هنوز نفوذ مهمی در بیرون از هند پیدا نکرده بود — یک تیراژ متوسط به‌شمار می‌رفت.

در آن گزارشهای محرمانه، به سال ۱۸۹۹ (۱۳۱۷ق) تیراژ جبل‌المتین ۸۰۰ و سال بعد یک‌هزار نسخه عنوان شد.<sup>۱۸</sup> این رقم در گزارشهای سالهای بعد نیز ثابت ماند و من حدس می‌زنم که آن را باید شمار خریداران روزنامه در هند — و شاید بنگال — تلقی کرد زیرا می‌دانیم که همزمان با نهضت مشروطه جبل‌المتین تیراژ بالایی داشته و حتی بر پایه برخی از نوشته‌ها شمار آن تا سی و پنج هزار نسخه می‌رسیده است<sup>۱۹</sup> و این، تا دست‌کم چهل سال بعد هم در میان روزنامه‌های فارسی داخل ایران دیده نمی‌شد.

یکی از علت‌های عمده این تیراژ بسیار بالا توقیف و عدم انتشار بسیاری از روزنامه‌های داخلی بود.<sup>۲۰</sup> پنج‌هزار نسخه از این تیراژ یک‌جا توسط تقی‌یف بازرگان ثروتمند ایرانی مقیم بادکوبه خریداری می‌شد و آن را در میان دین‌دانیان عراق و ایران می‌پراکندند. این یاری را او پیش از صدور فرمان مشروطیت آغاز کرده بود.

با پایان استبداد صغیر، شمار نسخه‌های جبل‌المتین کاهش یافت. با این وصف، رحیم‌زاده صفوی مجموع تیراژ سه روزنامه جبل‌المتین فارسی و بنگالی و انگلیسی را تا شصت هزار نسخه نوشته است.<sup>۲۱</sup> بی‌تردید با توجه به رونق کار روزنامه‌نگاری در ایران و بیداری روزافزون مسلمانان هند، سهم چاپ‌های بنگالی و انگلیسی جبل‌المتین از این رقم بسیار بیشتر از چاپ فارسی بوده است. یکی از ایرانیان مطلع، تیراژ سالهای آخر روزنامه فارسی را دو تا سه هزار ذکر کرده است.<sup>۲۲</sup>

توزیع: روزنامه یک ماه پس از انتشار به ایران می‌رسید<sup>۲۳</sup> و مشترکان آن را توسط «وکیلان» یعنی نمایندگان روزنامه دریافت می‌کردند. شاید این روزنامه از نخستین روزنامه‌هایی باشد که شیوه‌های توزیع غریبان را به کار برده‌اند: روزنامه را در لفافه مخصوصی می‌پیچیدند که بر آن نام و نشانی مشترک چاپ شده بود.

جبل‌المتین نیز مانند بسیاری از دیگر روزنامه‌های آن دوره با فقدان شبکه توزیع مطمئن روبرو بود و همواره از بدحسابی مشترکان می‌نالید و حتی در روزنامه‌های داخل

ایران هم در این زمینه اطلاعیه منتشر می‌ساخت.<sup>۲۵</sup>

بهای اشتراک یک ساله جبل المتین در سالهای نخستین، به ترتیب در هند و برمه، ایران و افغانستان، عثمانی، اروپا و چین، روس و ترکستان ده رویه، ۳۵ قران، ۵ مجیدی، ۲۵ فرانک فرانسه و ده روبل بود که از سال هشتم به ترتیب به ۱۲ رویه، چهل قران در هند و ایران و افغانستان افزایش یافت ولی بهای اشتراک دیگر جاها ثابت ماند. قیمت تکفروشی در سالهای نخست در ایران یک قران، در هند چهار آنه و در کشورهای دیگر یک فرانک فرانسه بود لیکن از سال نهم به بعد بهای تکفروشی را ذکر نمی‌کردند.

### محتوای جبل المتین

پیش از آغاز سخن کوتاه‌مان درباره محتوای جبل المتین و تأثیرش در افکار عمومی ایرانیان، باید به نکته مهمی اشاره کنم و آن نقشی است که این روزنامه و نشریه‌های وابسته به آن در افزایش بیداری مسلمانان هند داشته و تأثیری که بر مسلمانان — به ویژه فارسی‌دانان — سرزمینهای دیگر گذاشته است: روزنامه به قفقاز و عثمانی می‌رفت و بدیهی است که در میان مردم افغانستان هم خریداران و دوستدارانی داشت. شاید از همان افغانستان و توسط ایرانیان مقیم عشق آباد و سمرقند و بخارا است که ازبکان و تاجیکان آن سامان هم با جبل المتین آشنایی یافتند. برخی از محققان تأثیر این روزنامه را بر افکار اصلاح طلبان امارت بخارا — که به «جدیدیون» شهره‌اند — یاد کرده‌اند.<sup>۲۶</sup>

پاره‌ای از مقاله‌ها و خبرهای جبل المتین نیز به زبانهای عربی و انگلیسی و فرانسه ترجمه می‌شد و به دست اروپاییان و مستعمره‌های آنان می‌رسید. از آن جمله، مجله «جهان اسلام» (*Revue du Monde Musulman*) چاپ پاریس، در بیست سال انتشار خود (۱۹۰۶-۱۹۲۶) نزدیک به چهارصد بار از جبل المتین و نشریه‌های وابسته به آن نقل قول کرده و گاه تمامی مقاله‌های شماره‌ای را به زبان فرانسه برگردانده و به چاپ رسانده است.

\*\*\*

تحلیل محتوای دوره سی و هفت ساله انتشار جبل المتین شایسته پژوهشی مستقل و جامع است. افسوس که از این گونه تک‌نگاریها — دست کم درباره روزنامه‌های مهمی همچون جبل المتین — بسیار کم کرده‌اند. ناگزیر، آنچه درباره محتوای این روزنامه می‌آورم اشاره‌ای است در حد یادآوری، تا پیش از این سخن به درازا نکشد. آن سی و هفت سال را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد و مهمترین سالهای روزنامه را

صفحه اول	— سال دوازدهم —	۹۱۹
«تبیست اشترک»	«از حرکت و مرزها...»	«سبل اللین کلکتہ»
سالانه — شش ماهه	«...»	«یکل کالج استریت نمبر،
«فمنند — و برمه»	«روزنامه مقدس»	«کلیه امور ادارہ ما»
۱۳ روپیہ — ۷ روپیہ		«مدیرکل مؤتمراسلام است
«ایران واقعاتان»		«متظم اداره»
۴۰ قرآن — ۲۵ قرآن		«تفاحمدسوادشیرازی است
«بنانی — و مصر»		«هر دوشنبه طبع»
۵ عیدی — ۳ عیدی		«سه شنبه توزیع میشود
«ارویا — و چین»	«سنه ۱۳۱۱»	«بشارخ دوشنبه»
۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک		«اجلادی الاول سنه ۱۳۱۲»
«روس و ترکستان»	«قبل از دریافت نمودن قضا اداره»	«مصادف با»
۱۰ منات — ۶ منات		«۱۱ جولائی سنه ۱۱۰۵ (طردلو نیاید قیمت اخبار را بسدی تسلیم نیاید)

# سبل اللین

«در این جریده از هرگونه علوم و در کج سیاسی و متاع مولن و فراید ملن بحث میشود»  
 «مراسلات طم للقب مقبول و در انتشارش املره آزادست»

## فهرست مندرجات

سیاسی • مرستان • ورود سوک مسودہ اعلیٰ حضرت  
 • بعضی باقری • مکتوب یک از دلائل • مکتوب  
 • آقا شرف آباد • مکتوب از کشان • سبل اللین • مکتوب  
 • از طراسان • جنرالی ای ایران • مکتوب از اترلی •  
 • مکتوب از تبریز • حیا وطن من الایران • افغانستان  
 • مکتوب یکی از بصرین • قیبت وطنه • بلوچستان  
 • و مکران ایران و مسقط • تجارت • مکرانات •

## سیاسی

متافقه (اراد کنبر) سبالارکل با (اراد کرزن)  
 هر طرفی مند مودفقه اعتبارات قشوق و الخیارات  
 سبالاری هندوستان که تاکنون تحت امر فرط مابوده  
 هم مین بر امور حسی القوق سرحدی و خیالات  
 بیخه است که رجال با مانی و بیاست انگلستان در  
 آسیای وسطی مایند • تشریح این مسه بسی مسه  
 شایان است تا یک اندازہ بالا تر از آزادی تم مایست  
 و تشریح اینکه اخباره... می مدین موضوع نموده  
 وخی برای منتک مای کم کرده و بسیاری هم نکتہ شیشی را

وسیع گردیده است • لژیون نکتہ که کاش از خیالات  
 رجال با بیاست انگلستان است و اندک اندک موضوع  
 بحث جرات انگلیسی شده میتوان بر برد که خیالات  
 آنان درباره آینه وقیب چیست • و مقاصد شان مد  
 وسط آسیا چه میباشد • و کار وقیب بلان مشت  
 و جلال که توجیهش بیجاب مند و ساز مفسرات  
 رطبه بر اتمام انگلیس می باشد بکجا کشیده • که با  
 کمال سیرت و سیرت بقصد شکرتی کریمت لعد •  
 جرات انگلیسی می نویسند • که گفتارشان اهدوق  
 دوس سلا بدین زودی رفع شوند شد • و این نکتہ  
 برای تحلیل برمن قوامی او از جنگ اقصای شرق  
 بدرجت شق بالا است • پس ما ولست مسکه خاک  
 فرستان یک میشه کیسیون تجملتی برای سورجیات  
 زمستان و بلاد ملواری بحر طرد به نام  
 اگر چه این امر فعلاً اندازہ خیال تجاوز نموده  
 ولی مسلم است اگر چنین وضع واسطه دوس بدین  
 منوال باقی ماند این خیالات و بالا تر از آن مد مایه  
 وی میری سرانده گردید

دوره‌های دوم و سوم (اواخر ۱۳۱۷ تا اوائل ۱۳۲۷ق) دانست: ۱- پنج ساله نخست؛ ۲- از سال ششم تا صدور فرمان مشروطه؛ ۳- در کشاکش مشروطه و استبداد؛ ۴- از خلع محمدعلی شاه تا کودتای ۱۲۹۹خ؛ ۵- از آن کودتا تا پایان انتشار روزنامه در پائیز ۱۳۰۹خ. دوره یکم: جبل المتین سالهای نخست، از جهت ارائه و محتوا به روزنامه‌های فارسی هند از سویی (- شیوه نگارش و صفحه بندی) و روزنامه‌های داخل کشور از سوی دیگر (- ملاحظه کاری و خودمیزی) شباهت دارد.

روزنامه این دوره، حتی در انتقاد و روشنگری از روزنامه اختر - که در سه سال اول انتشار جبل المتین هنوز منتشر می‌شد - نیز عقب‌تر است. حال آن که در هند بریتانیا امکان آزادی گفتار بیش از عثمانی فراهم بود.

جبل المتین آن سالها از اسلام بسیار می‌نوشت: بی‌آن که تندی کند همپستی و یکدلی می‌جست و بر حقوق مسلمانان هند پا می‌افشرد.

خبرهای خارجی را از روزنامه‌های داخل هند ترجمه می‌کردند و از آن میان، به‌رویدادهای سامانهای مسلمان‌نشین، - و بیش از همه، ایران - توجه نشان می‌دادند. روزنامه، ترقی و اصلاح امور را می‌خواست ولی آن را از صدرنشینان توقع داشت. از شاه و بزرگان ایران با همان لقبها و احترامهایی یاد می‌کرد که تنها روزنامه‌های دولتی داخلی ناگزیر از کاربرد آنها بودند، بل، پا را از این هم فراتر می‌نهاد. نمونه یادکردنی، «عرض تشکر عطیة اعلیحضرت شاهنشاهی»ست که پس از اختصاص مقرری برای مدیر جبل المتین (- و نه خود روزنامه) به‌چاپ رسید.<sup>۲۷</sup>

دوره دوم: رویدادهای داخل ایران و رواج اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه، کم‌کم جبل المتین را نیز در پی خود کشید و برخی از انتقادهای سر بسته - به‌خصوص به‌صورت نامه‌های خوانندگان که از داخل ایران فرستاده می‌شد - در کنار مطالب همیشگی روزنامه و آن عزت و احترام مقامهای حاکم بر ایران، در روزنامه چاپ شد. همزمان، توجه روزنامه به‌مقامهای مذهبی و اندیشه اتحاد اسلامی افزونی یافت. هم از این‌روست که ادوارد براون جبل المتین را «قهرمان اتحاد اسلام» معرفی کرده است.<sup>۲۸</sup> می‌دانیم که روزنامه - حتی مواقعی که چوب تکفیر پاره‌ای از متعصبان را خورد - اسلام‌خواهی را وانهاد. نامش نیز نشانی از آن اسلام‌خواهی دارد.<sup>۲۹</sup>

جبل المتین این دوره به نکویش از فروش فرآورده‌های خارجی در ایران، تشویق مردم به خرید کالاهای داخلی و تأسیس شرکتها و کارخانه‌ها<sup>۳۰</sup> و تشویق به تقلید از نمونه ژاپن<sup>۳۱</sup> می‌پرداخت.

آن اسلام‌گرایی و این انتقادهای، کم‌کم جای‌جبل‌المتین را در دل ایرانیان باز کرد و چنان که گفته شد حاج زین‌العابدین قتی‌یف را بر آن داشت که پنج‌هزار نسخه از روزنامه را برای توزیع رایگان میان دین‌دانایان مقیم عتبات و ایران و همچنین پاره‌ای از بازرگانان و دانش‌آموختگان خریداری کند. یاری قتی‌یف ده سال ادامه یافت و این مدت برای پراکندن اندیشه‌ها و آگاهی‌هایی که تنها در روزنامه می‌توان گرد آورد کافی بود.

بدین‌گونه، دین‌دانایانی که با خواندن روزنامه بیگانه بودند و گاه پیروان خود را به پرهیز از آن تشویق می‌کردند<sup>۳۲</sup> با مسائل روز ایران و جهان و روزنامه و روزنامه‌خوانی آشنایی پیدا کردند. تا بدان‌جا که حاج میرزا حسن معقانی از مراجع مهم تقلید مقیم نجف، مقلدانش را به خواندن جبل‌المتین بر می‌انگیخت.<sup>۳۳</sup>

مطالب انتقادآمیز روزنامه، خرده‌گیری آنان را که از نزدیک دستی بر آتش داشتند موجب می‌شد.<sup>۳۴</sup> شدیدترین انتقاد از این دوره جبل‌المتین را احمد کسروی کرده است و آن را زمینه‌ای است: در اواخر ۱۳۱۸ ق جبل‌المتین مطالبی را که از تهران درباره نادرستیهای انجمن معارف و بدخواهیهای صدراعظم ایران میرزا علی‌اصغر خان اتابک (امین‌السلطان) رسیده بود چاپ کرد. مطلب، و به‌ویژه انتقادهای تند درباره گرفتن وام از روسیه، صدراعظم را که در آن هنگام هوادار سیاست روس بود بر آن داشت که وزود روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ خارج را ممنوع اعلام دارد. از آن پس، مدت چهار سال جبل‌المتین به‌صورت کالایی قاچاق و غیرقانونی وارد کشور می‌شد، اگرچه ورودش «تا یک اندازه شایع و بی‌پرده شده» بود<sup>۳۵</sup> و «جبل‌المتین چون در اغلب از ممالک منتشر می‌شد و اختصاص به ایران نداشت از این حکم اختلالی در اوضاعش پدیدار نشد، اما دیگران قهراً تعطیل شدند.»<sup>۳۶</sup> با صدارت عظمای شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، جبل‌المتین به‌ستودن صدراعظم تازه پرداخت و ممنوعیت ورودش به ایران نیز رفع شد. این است که روزنامه همواره امین‌السلطان را «که زبان به‌جبل‌المتین زده بود» می‌نکوهید<sup>۳۷</sup> و «به یکباره هوادار عین‌الدوله گردید»<sup>۳۸</sup> و در این هواداری اغراقها می‌کرد.<sup>۳۹</sup>

کسروی هنگام سخن از عین‌الدوله، جبل‌المتین را روزنامه او می‌خواند و اشاره می‌کند که رشته مقاله‌هایی زیر عنوان «اصلاحات جدید یا خیالات عالیة وزیر اعظم» نوشته است.<sup>۴۰</sup> افسوس که ایرادهای کسروی درست است و مؤیدالاسلام از آنان بود که «انقلاب از بالا» را می‌خواهند و بدین‌گونه در مورد عین‌الدوله دچار لغزش شده. در مورد

دیگران نیز تا حدی چنین بود: «هر کسی که به سر کار آمده، هنوز به کاری برنخاسته و آزموده نگردیده به شیوه شاعران ستایش از او» می‌کرد و به «وارونه‌نویسی» می‌پرداخت.<sup>۱۱</sup> گویی در کار به‌دستان شرمی سراغ داشت که می‌خواست آنها را «مأخوذ به‌حیا» کند.

دوره سوم: مهمترین دوران حیات جبل المتین چهار سالی است که اعطای مشروطیت را از تشکیل مجلس دوم جدا می‌سازد. در ابتدای این دوره، روزنامه با آزادی بیشتری به مسائل ایران پرداخت و با به‌سلطنت رسیدن محمدعلی شاه، به صورت بلندگوی صادق مشروطه‌خواهان میانه‌رو درآمد. به‌خصوص، نقش خبردهی و پیام‌رسانی بسیار مهمی در یک‌ساله استبداد صغیر ایفا کرد. این نقش را اکثری از منابع ستوده و گاهی نیز درباره آن مبالغه کرده‌اند. چنین بود که پس از پیروزی آزادیخواهان «تشکر از جراند اروپا که همراهی کرده و جبل المتین کلکته» در نطق نایب‌السلطنه گنجانده شد<sup>۱۲</sup> و در مجلس هم از روزنامه تجلیل کردند.<sup>۱۳</sup> براون به‌نقل از تربیت نوشت که خدمت‌های آن روزنامه «در ایام اخیر با هیچ نامه دیگری قابل قیاس نیست».<sup>۱۴</sup> دکتر ملک‌زاده نیز معتقد است که «روزنامه جبل المتین را رهبر آزادی و یکی از پایه‌های کاخ مشروطیت ایران باید دانست و نام‌نویسنده آن را در سرلوحه مردان اصلاح‌طلب و وطنخواه ایران جای داد.»<sup>۱۵</sup> این دوره روزنامه بسیار پربار است: از تلگرافها و نامه‌های اعتراض‌آمیز مشروطه‌خواهان، همواره نسخه‌ای را نیز برای جبل المتین می‌فرستادند و این نکته در خود آن تلگرافها و نامه‌ها می‌آمد. خبرها و گزارش‌های مفصلی که از ایران می‌رسید در روزنامه بازتاب می‌یافت و ترجمه یا خلاصه مطالب روزنامه‌های خارجی، به‌ویژه روزنامه‌های انگلیسی زبان نیز منعکس می‌شد.

روزنامه، مشروطه‌خواه بود اما تندرو نبود. از جمله، قتل اتابک را که به دست تندروان صورت پذیرفت — با وجود، آن پیشینه بد که با او داشت — می‌نکوهید. این نکوهش، تندروان را علیه‌اش برانگیخت تا آن‌جا که روح‌القدس، مؤیدالاسلام را متهم کرد که «وطن پرستی چهارده ساله را به‌دراهم معدوده» فروخته است<sup>۱۶</sup>

در جهت اصلاح کارها، جبل المتین همه چیزهای خوب را برای ایران آرزو می‌کرد و مقاله درباره آن می‌نوشت. حتی اشاره به آنها، سخن را به‌درازا خواهد کشید.

روزنامه، اسلام و اسلامیان را می‌ستود و به‌کیش و آیین به‌دیده احترام می‌نگریست. اما گاهی سوءتفاهمهایی میان آن و برخی از کهنه‌اندیشان مذهبی رخ می‌داد. از آن گروه اندک از دین‌دانایانی نیز که با مشروطه و مشروطه‌خواهان سرستیز

داشتند، آزادیخواهی و نوگرایی جبل‌المتین را بر نمی‌تافتند.<sup>۱۷</sup>

از جهت سیاست خارجی، جبل‌المتین این دوره هوادار اتحاد مسلمانان و ضد دخالت بیگانگان — به ویژه روسها — ست. با این وصف انگلیسی‌ها هم از روزنامه ناراضی بودند. زیرا همان هنگام، توافق بریتانیا و روسیه در مورد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ — که به قرارداد ۱۹۰۷ معروف شده — مورد انتقاد شدید جبل‌المتین قرار گرفت و این کار به‌دستان انگلیسی را آزرده.<sup>۱۸</sup> مأمور انگلیسی در گزارش محرمانه‌اش به لندن نوشت که «این روزنامه از زبان ملت سخن می‌گوید و گاهی از اوقات بر ضد خارجه مخصوصاً همیشه انگلیسی‌ها گفتگو می‌کند.»<sup>۱۹</sup> حال آن که روزنامه، بیشتر، ضد روسی بود: به‌خصوص پس از حمایتی که آن کشور از استقرار دوباره استبداد در ایران کرد، تحریم کالاهای روسیه را توصیه می‌کند<sup>۲۰</sup> و مقاله‌ها و خبرهای متعددی علیه بریگاد قزاق و حتی امپراتوری روسیه منتشر می‌سازد.

دوره چهارم: پس از پیروزی آزادیخواهان و خلع محمدعلی شاه، فصل تازه‌ای در زندگی مطبوعات ایران گشوده شد. روزنامه‌های آزادی در سراسر کشور آغاز به انتشار کردند که از کوچکترین امری چشم نمی‌پوشیدند. با این حال، به‌انگیزه سابقه و احترام و نفوذی که جبل‌المتین در جریان کشمکش مشروطه‌خواهان و استبدادجویان به‌دست آورده بود، جای ویژه‌ای در میان ایرانیان داشت.

در این دوره ده‌ساله، اخبار — و بیش از آن مقاله‌هایش — مورد توجه فارسی‌زبانان و ناظران خارجی بود. روزنامه‌های داخلی ایران به‌مطالب جبل‌المتین چشم داشتند و آنها را نقل می‌کردند. مجله «جهان اسلام» چاپ پاریس نوشت که

جبل‌المتین، روزنامه فارسی چاپ کلکته مورد احترام در تمامی جهان اسلام است و خوانندگان ما کوشش آن روزنامه را برای دفاع از منافع ایران و اسلام می‌شناسند.<sup>۲۱</sup>

در این هنگام، رویدادهای مهمی در کشور می‌گذشت و جهان نیز ابتدا در تب و تاب درگیرینها و برخورد منافع و پس از آن جنگ هولناک جهانی بود و روزنامه در مهمترین مستعمره نیرومندترین کشور استعماری جهان به‌چاپ می‌رسید.

فهرست آنچه در جبل‌المتین این دوره درباره اصلاح امور و نوآوریها چاپ می‌شد، طولانی‌ست. اما کمتر مطلب پیشتر ناگفته‌ای در آنها می‌توان یافت: اهمیت روزنامه این دوره را باید در برداشت آن از رویدادهای جهانی و تأثیر این رویدادها در ایران جست‌وجو کرد.

در خلال جنگ: خلاف بسیاری از ایرانیان و روزنامه‌های ایرانی که از آلمان و عثمانی هواداری می‌کردند - جبل المتین بر لزوم بیطرفی واقعی ایران پا می‌افشرد. به‌حزب دموکرات - که در این هنگام هواخواه دول محور بود - هشدار می‌داد و آنان را که می‌خواستند ایران از بیطرفی دست بکشد «دشمنان ایران» می‌خواند (۱۹ صفر ۱۳۳۴) و می‌خواست که انگلیس نیز بیطرفی ایران را تضمین کند (۶ و ۲۷ رمضان و ۱۸ شوال ۱۳۳۳). ولی خود نیز معترف بود که با وجود بیطرفی ایران، دولت‌های درگیر جنگ در خاک ایران به‌مقابله با یکدیگر می‌پردازند (سوم صفر ۱۳۳۴).

بدیهی است که این رویه روزنامه مورد خوشنودی انگلیسی‌ها بود. زیرا آنان از تمایل ایرانیان به آلمان اطلاع داشتند. جبل المتین به‌ویژه، می‌توانست دین‌دانیان بزرگ ساکن نجف و کربلا را از خیال مساعدت با عثمانی و آلمان منصرف سازد. در این هنگام روزنامه برخی از خبرهای جانبدار متفقین را از قول روزنامه‌اوقات بصره - که از سوی ارتش انگلیس به‌عربی و فارسی به‌چاپ می‌رسید<sup>۵۲</sup> - چاپ می‌کرد و انگلیسها نیز به‌سود خود، جبل المتین را در عتبات می‌پراکنده<sup>۵۳</sup>.

چنان که پیشتر گفتیم در همان سالها، اداره جبل المتین با مقامهای انگلیسی هند درگیریها داشت و این موجب وقفه‌هایی در انتشار روزنامه شد (به‌خصوص در ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷م). پس، خواست روزنامه بیشتر آن بوده که ایران بیطرف بماند. منتهی تند رفت و در این راه به‌سنایش از انگلیسیان و سرسپردگان آنان در ایران پرداخت. به‌گونه‌ای که برخی به‌گراف نوشتند که «جبل المتین چاپ کلکته از نایب السلطنة هندوستان الهام می‌گرفته» است.<sup>۵۴</sup>

دوره پنجم: اگر روزنامه‌ها و مجله‌های وابسته به‌حزب کمونیست ایران - مانند ستاره سرخ و نهضت و پیکار - را که همگی در اروپا انتشار یافته‌اند مستثنی کنیم، تمامی نشریه‌های ایرانی چاپ خارج از ایران، پس از کودتای ۱۲۹۹ تا پایان پادشاهی رضا شاه، هوادار او بودند و از دور چنین می‌انگاشتند که ایران کهنسال را سرداری پرتوان و ایران‌خواه به‌راه نو خواهد برد. برخی از آنها - به‌ویژه عنوانهای جدید - در این مورد اغراقهای شگفتی نیز کردند و تا آخر درنیافتند که این استبداد تازه چه به‌روز روزنامه‌نگاران داخل کشور آورده است.

جبل المتین این دوره هم یک روزنامه خوشبین به‌فرمانروای ایران و امیدوار به سرو سامان دادن به همه کارهای اجتماعی و سیاسی کشور بود. روزنامه «خدمات رضا خان سردار سپه» را به‌هنگام نخست‌وزیری اش می‌ستود<sup>۵۵</sup> و سردار سپه نیز به‌آن یاری مالی



می‌داد و چون به تاج و تخت دست یافت، مجلس را واداشت که یاری مالی به حبل‌المتین را صورتی رسمی دهد.<sup>۵۶</sup> به قول رحیم‌زاده صفوی، روزنامه «مورد عنایت کامل رضا شاه»<sup>۵۷</sup> بود.

این دوره روزنامه بی‌اهمیت‌ترین دوره آن است: مؤیدالاسلام پیر و نایبنا شده بود و روزنامه‌اش با آن که در خارج به چاپ می‌رسید، چیزی افزون بر روزنامه‌های داخل کشور نداشت. بیشتر مطالب درباره بایستگی‌های آموزشی و اقتصادی کشور بود.

ژنو

۷ بهمن ۱۳۷۱ / ژانویه ۱۹۹۳

### یادداشتها:

- ۱- نورالله ایران‌پرست، «شرح حال آقای مؤید مدیر روزنامه حبل‌المتین»، ارمغان، سال دهم (مرداد و شهریور ۱۳۰۸)، ش ۵ و ۶، ص ۲۸۰ و بسیاری پس از آن، از جمله نوشته‌های محیط طباطبایی: تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۵۴؛ وسید جمال‌الدین اسدآبادی و یداری مشرق زمین، ص ۱۲۸.
- ۲- حبل‌المتین، ش ۱، سال پنجم (۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۱۵).
- ۳- عبدالحمین سپهر، مرآةالوقایع مظفری، انتشارات زرین، تهران ۱۳۶۸، ص ۳۱۰.
- ۴- در یک گزارش مخفی آمده است که «احتشام‌السلطنه که باعث ترقیات حبل‌المتین شده... چهارصد تومان بدون استحقاق به حکم مرحوم مشیرالدوله مواجب از برای این اداره درست کرده است»: گزارش به صدراعظم ایران (مورخ ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۷)، نشریه انجمن تاریخ، نقل شده در خوانندگیها، ش ۳۱، سال ۳۱، هشتم دی ۱۳۴۹، ص ۱۹. منظور از احتشام‌السلطنه میرزا محمود خان دولو از آزادگان آن روزگار (رئیس اولین دوره مجلس شورای ملی و سفیر و حاکم در چند جا) ست. مشیرالدوله اندکی پیش از این گزارش درگذشته بود.
- ۵- «شرح حال آقای مؤید مدیر روزنامه حبل‌المتین»، ص ۲۸۲-۲۸۳ (دو بیت از یک غزل و یک مثنوی پنج بیتی با این ادعا که در سالهای جوانی او سروده شده ولی با توجه به اشاره‌اش به انقلاب روسیه پیداست که بسیار دیرتر از آن سالها بوده است).
- ۶- U.Sims-Williams, "Persian Newspaper Habl Al-Matin," *IOLR and OMPB Newsletter*, No.32 (August 1984), p.3
- ۷- رحیم‌زاده صفوی، اسرار سقوط احمد شاه، به کوشش بهمن دهگان، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۶۲، ص ۱۶۲ و ۲۰۷-۲۰۸.
- ۸- دکتر مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸۴.
- ۹- گفت و گوی نویسنده این مقاله با جمالزاده، چهارم مرداد ۱۳۶۰.
- ۱۰- از کتابهایی که مؤسسه «حبل‌المتین» منتشر ساخته اینهاست: میکادونامه اثر حسین بن علی درباره پیروزی ژاپون بر روس (۱۳۲۵ق)، معتخبات دیوان حکیم قآنی (۱۳۲۵ق)، حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب دستان (۱۳۲۴ق)، دیوان عنذلیب کاشانی (۱۳۲۶ق)، احوال کریستوفر کلبوس، با ترجمه میرزا محمد منشی (۱۳۲۶ق)، داستان شگفت و سرگذشت پیمان (بی تاریخ). از کتابهای انگلیسی، یکی اتحاد اسلام است که متن فارسیش به قلم خود مؤیدالاسلام بوده است:

*Pan-Islam*, by Mu'ayyid al-Islam Jalal al-Din.

*Pan-Islam, Khilafat, Non-co-operation, Swaraj, and Hindu-Muslim Unity. Lectures of His Eminence Muwayyeed-ul-Islam Jalal-ud-Din, al-Hussaini. Translated by Moulavi Syed Ibni Imam. p. 38, Calcutta [1923.]*

- ۱۱ - احمد کسروی، تاریخ مشروطیت ایران، ص ۲۷۶.
- ۱۲ - حبل المتین (تهران)، ش ۲، (۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۵).
- ۱۳ - همان تهران، ش ۲۸، سال دوم.
- ۱۴ - از جمله در شماره مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۳۳ (۱۲ ژانویه ۱۹۱۵).
- ۱۵ - *The Persian Newspaper Hābl Al-Matin, p.2*
- ۱۶ - (Report on Native Papers) از سال ۱۸۸۹ به بعد. این گزارشهای محرمانه دستگاه اداری انگلیسی‌ها به شماره IOR: LR15 در دیوان هند لندن (India Office) موجود است.
- ۱۷ - همان، ششم مارس ۱۸۹۷، ص ۱۶۹.
- ۱۸ - همان، هشتم آوریل ۱۸۹۰، ص ۲۲۸.
- ۱۹ - همان، ششم اکتبر ۱۹۰۰، ص ۷۵۶.
- ۲۰ - «شرح حال آقای مؤید مدیر روزنامه حبل المتین»، ص ۲۸۱.
- ۲۱ - *RMM (:Revue du Monde Musulman), X (1910), pp. 136-137.*
- ۲۲ - اسرار سقوط احمد شاه، ص ۲۵۹.
- ۲۳ - شرح حال آقای مؤید مدیر روزنامه حبل المتین»، ص ۲۸۱.
- ۲۴ - تاریخ مشروطیت ایران، ص ۲۷۶.
- ۲۵ - یکی از جالب‌ترین آنها را وکیل حبل المتین در انجمن چاپ تبریز (چهارم رمضان ۱۳۲۵) منتشر کرده و در آن از تهدید مشترکان بد حساب هم ابا نکرده است.
- ۲۶ - *Hélène Carrère d'Encausse, "Reforme et Revolution Chez lez Musulmans de L'Empire Russe", PFNSP, Paris 1981, p. 164*
- A. Bennigsen et Ch. Lemerrier-Quelque Jay, *La Presse et le Mouvement National Ches les Musulmans de Russie avant 1920*, Mouton et Co., Paris 1964
- ۲۷ - حبل المتین، ش ۱، سال پنجم (۱۲ جمادی الثانی ۱۳۱۵).
- ۲۸ - ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، کانون معرفت، تهران ۱۳۳۷ خ، ص ۳۳۵ (ردیف ۱۳۶۶) (ص ۷۵ متن انگلیسی).
- ۲۹ - این نام از آیه قرآنی *واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا* (آل عمران، آیه ۱۰۳) گرفته شده است.
- ۳۰ - به ویژه شماره‌های ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۷ و ۴۹ سال هشتم (۱۳۱۸-۱۳۱۹ ق).
- ۳۱ - از جمله: شماره‌های دوم و دهم سال هشتم (۱۳۱۸ ق).
- ۳۲ - «مراسله از سبزوار»، حبل المتین، ش ۱، سال دوم.
- ۳۳ - تاریخ مشروطه ایران، ص ۴۲-۴۳، جلد نخست.
- ۳۴ - از جمله: رساله «تشخیص مرض» اثر مستشارالدوله صادق. این رساله در خاطرات و اسناد مستشارالدوله

- صادق، به‌کوشش ایرج افشار، انتشارات فردوس، مجموعه اول، تهران ۱۳۶۱، صص ۲۵۲ به بعد آمده است؛ و: خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۱، باب سوم، صص ۴۱۸-۴۴۲ و: عبدالحسین سپهر، یادداشت‌های ملک‌المورخین، انتشارات زین، تهران ۱۳۶۸، صص ۲۰۵.
- ۳۵ - خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی، صص ۳۲۵.
- ۳۶ - مجدالاسلام کرمانی، «آزادی قلم»، ندای وطن، ش ۱۴۳ (س‌ام ذی‌قعدة ۱۳۲۵).
- ۳۷ - تاریخ مشروطه، صص ۳۲ و ۴۴.
- ۳۸ - همان، صص ۳۳.
- ۳۹ - همان، صص ۴۳ و ۶۳ و ۶۴ و ۱۰۵ و ۱۵۳.
- ۴۰ - همان، صص ۷۶.
- ۴۱ - همان، صص ۴۳.
- ۴۲ - خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، مجموعه اول، صص ۱۸۱.
- ۴۳ - تاریخ مشروطه، ج ۲، صص ۷۹.
- ۴۴ - تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، صص ۱۵۷.
- ۴۵ - دکتر مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۳، صص ۱۸۴.
- ۴۶ - روح‌القدس، ش ۱۴، مورخ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۵.
- ۴۷ - از جمله در لوايح شيخ فضل‌الله نوری رهبر این گروه (مورخ هفتم رجب ۱۳۲۵).
- ۴۸ - *The Persian Newspaper Habl Al-Matin*, p.2
- ۴۹ - نامه مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۰۷ سر اسپرینگ رایس به‌ادوارد گری: کتاب آبی گزارش‌های محرمانه، تهران ۱۳۶۲، صص ۲۹.
- ۵۰ - از جمله در شماره مورخ دهم صفر ۱۳۲۸ و بیشتر شماره‌هایی که پس از آن تا پایان رمضان همان سال به‌چاپ رسید.
- ۵۱ - RMM, 24 (1913), p. 335
- ۵۲ - نام عربی این روزنامه «الاقوات البصریه» بود و روزنامه از ژانویه ۱۹۱۴ تا اواخر ۱۹۲۰ به‌چاپ رسید. نویسنده فارسی آن ناشناس مانده است.
- ۵۳ - *The Persian Newspaper Habl Al-Matin*, p.2
- ۵۴ - خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، انتشارات بابک، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۴، صص ۲۰۷.
- ۵۵ - حبل‌المتین، ش ۱۵ (اول خرداد ۱۳۰۴ = ۲۲ آوریل ۱۹۲۵).
- ۵۶ - رک - زیرنویس ۵۳.
- من گفت‌وگوهای مجلس و اسناد این قرارهای مالی را ندیده‌ام. نویسنده مقاله بالا به آنها در ایندیا آفیس لندن دسترسی داشته است.
- ۵۷ - اسرار سقوط احمد شاه، صص ۱۶۲.